خبر

## حرف‌های «خاویر باردم» درباره فیلم اصغر فرهادی

● **گروه هنر:** «خاویر باردم» در یک مصاحبه از همکاری با اصغر فرهادی، «وودی آلن»، زندگی سینمایی با «پنه‌لوپه کروز» و فرازونشیب در جشنواره کن صحبت کرد.

این بازیگر اسپانیایی برنده اسکار در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه با اشاره به تصمیم شجاعانه اصغر فرهادی برای ساخت فیلم به زبانی که آن را نمی‌داند، گفت: با دیدن فیلم «گذشته» متوجه شدم که او توانایی انجام این کار را به‌خوبی دارد.

«باردم» ۴۹ ساله که به‌همراه همسرش، «پنه‌لوپه کروز»، برای نهمین‌بار در فیلم «همه می‌دانند» همبازی شده‌اند، گفت: فیلم فرهادی با فیلم «ویکی کریستینا بارسلونا» که در اسپانیا بازی کردم متفاوت است. فیلم «وودی آلن» درباره کلیشه‌ها و چیزهایی است که گردشگران خارجی در پی آن هستند و برای آن به بارسلون می‌روند، اما فیلم فرهادی چیز متفاوتی است. فرهادی بسیار واقع‌گراست و رنگ‌وبوی اسپانیا را دارد. در آن به این کشور، شهر و مردمانش باور دارم.

او با اشاره به اینکه همراه با «پنه‌لوپه کروز» توضیحاتی درباره زبان و پیچیدگی جمله‌های اسپانیایی به فرهادی داده، اظهار کرد: خود او از پیش چیزهای زیادی می‌دانست و ۹۹درصد فیلم او با تمام عناصرش «یک فیلم فرهادی» است. باردم ادامه داد: معمولا داستان‌های فیلم فرهادی درباره افراد بسیار خوب و ساده‌ای است که در شرایط بسیار دشوار و متناقض قرار گرفته‌اند، اما در این فیلم جدید وجه هیجانی و تعلیق فیلم است که موجب می‌شود بخواهید بدانید چه چیزی در حال روی‌دادن است که شما را روی صندلی‌تان میخکوب می‌کند.

در خلاصه داستان درام روان‌شناختی «همه می‌دانند» آمده است: «کارولینا برای دیدار با خانواده‌اش از آرژانتین به زادگاهش اسپانیا بازمی‌گردد. در این سفر که پیش‌بینی می‌شد

به تجدید دیدار اعضای خانواده خلاصه شود، رویدادهای غیرمنتظره‌ای به وقوع می‌پیوندد که بر روند زندگی کارولینا تأثیر می‌گذارد».

«خاویر باردم» که در دومین فیلم متوالی پس از «اسکوبار» با «پنه‌لوپه کروز» همبازی شده است، گفت این همکاری پیاپی اتفاقی بوده است: ما اول فیلم «اسکوبار» را بازی کردیم و بعد در فیلم «همه می‌دانند» و البته این دو فیلم و این دو نقش بسیار متفاوت هستند، اما همبازی‌شدن در سینما، زندگی خانوادگی را برای ما ساده‌تر کرده است. باید تخیل و واقعیت را از هم جدا کنیم. ما با کارگردانان تمرین و درباره فیلم صحبت می‌کنیم، اما زمانی که به خانه بازمی‌گردیم دیگر درباره آن بحث نمی‌کنیم.

او با وجود اینکه در سال ۲۰۱۰ برای بازی در فیلم «بیوتیفول» (زیبا)، ساخته «الخاندرو گونزالز ایناریتو» برنده جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره کن شده، معتقد است فرازونشیب‌های فراوانی در کن داشته است: فیلم «جایی برای پیرمردها نیست» که با آن برنده اسکار بازیگری شدم، با استقبال بسیار خوبی در جشنواره روبه‌رو شد، اما در نهایت هیچ جایزه‌ای در کن به دست نیاورد. از سویی دیگر در جشنواره کن سال ۲۰۱۶ برای بازی در فیلم «آخرین چهره» هو شدم؛ فیلمی که یکی از بدترین فیلم‌های تاریخ جشنواره کن محسوب می‌شود و من نیز باید بگویم با این نظر مخالف نیستم.

«باردم» با اشاره به اینکه فیلم «همه می‌دانند» از بسیاری از فیلم‌هایی که در اسپانیا ساخته می‌شود اسپانیایی‌تر است، گفت: افتخار بزرگی است که جشنواره کن را با فیلمی از فرهادی افتتاح می‌کنیم، اما این درعین‌حال یک ریسک و مسئولیت نیز هست.

هفتادویکمین جشنواره فیلم کن از فردا، ۸ می (۱۸ اردیبهشت) افتتاح می‌شود و تا ۱۹ می (۲۹ اردیبهشت) ادامه خواهد داشت.

گفت‌وگو با مرتضی پورصمدی

# ساخت چنین سریالی جسورانه بود

### از مرتضی پورصمدی، فیلم‌بردار پیش‌کسوت، تقدیر شد

**فرانک آرتا: مرتضی پورصمدی، فیلم‌بردار سینما و عکاس شناخته‌شده، شنبه، ۱۵ اردیبهشت، در مراسم اختتامیه «نخستین جشنواره تلویزیونی مستند» در فرهنگ‌سرای ابن‌سینا مورد تجلیل قرار گرفت. در این مراسم که فرهاد ورهرام، ابراهیم حاتمی‌کیا، بهرام عظیم‌پور، سلیم غفوری، مدیر شبکه مستند و دبیر جشنواره حضور داشتند، با اهدای لوح افتخار و جایزه ویژه از فعالیت‌های هنری مرتضی پورصمدی تجلیل شد. پورصمدی بعد از دریافت جایزه در سخنانی گفت: «حدود ۴۳ سال است که در این عرصه فعالیت دارم. اعتراف می‌کنم که بیش از صد فیلم مستند در کارنامه دارم و به همه آنها سرافرازانه افتخار می‌کنم، اما در حوزه سینما از شرایطی که وجود داشت خیلی خرسند نیستم». او افزود: «فیلم‌سازی مستند با عشق به موضوع و با همراهی گروهی کوچک، همدل و قانع انجام می‌شود و به همین دلیل تأثیری ناب و شریف بر همه می‌گذارد. عمیقا خرسندم از آنچه در جهان مستند انجام دادم و بسیار از استادان این حوزه آموختم». او ضمن تشکر از خانواده خود عنوان کرد: «از همسرم بسیار سپاسگزارم که سفرهای بی‌شمار من را تحمل کرد و عمیقا احساس خوشبختی می‌کنم که حدود ۴۰ سال بر سفره مردم بسیار شریف در دورترین نقاط این مملکت؛ از گواتر تا نوک زاگرس نشستم و با آنها زندگی کردم. در همه این سال‌ها با احترام با مردم برخورد کردم و رفاقت دیدم. نشئگی این احساس را هرگز فراموش نمی‌کنم». این فیلم‌بردار با بیان اینکه امیدوارم روزی به طفل معصوم مستند توجه شود، افزود: «فیلم داستانی را حلواحلوا نکنیم، سینمای مستند پایه‌ای در ایران دارد که سینمای داستانی ما مطلقا رستگار نمی‌شود. مگر اینکه از این رهگذر بگذرد. سینمای داستانی ما باید در لوکیشن‌های مستند اتفاق بیفتد، نه در آپارتمان‌هایی که سقفش دومترو ۳۰ سانت است!» همچنین به بهانه این بزرگداشت فرصتی فراهم شد تا با پرکارترین فیلم‌بردار سینمای مستند گفت‌وگو کنیم.**

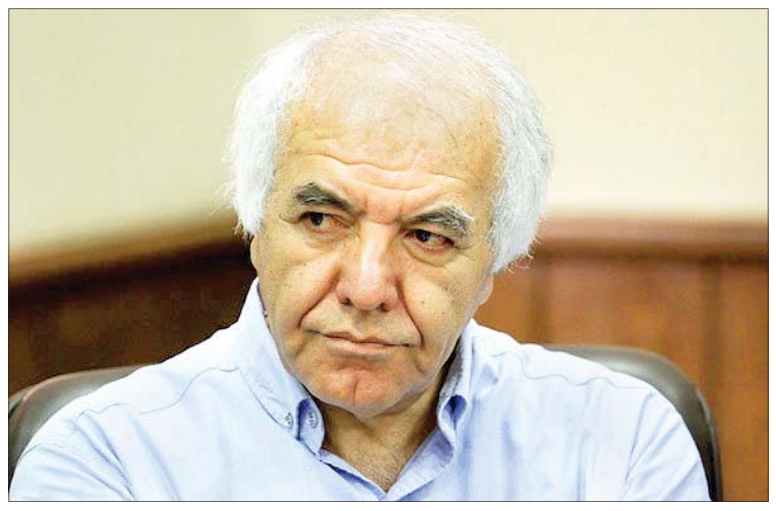

**آخرین کاری که انجام داده‌اید، چه بود؟**

آخرین کار جدی‌ام سریالی بود به نام «پس از حبس» به کارگردانی فرزاد خوشدست که توسط شبکه سوم به من پیشنهاد شد. این سریال ۳۰ قسمتی درباره مجرمان زیر ۱۸ سال در کانون اصلاح و تربیت است و قرار شده که یک فیلم سینمایی هم از آن ساخته شود. این سریال کار بسیار سنگین و درعین‌حال خاصی بود که با حضور توماج دانش‌بهزادی به‌عنوان مربی تئاتر و از طریق «تئاتردرمانی» مانند نخ تسبیحی مهره‌های پراکنده آن به هم وصل می‌شود. به این معنا که او میان محکومان استعدادیابی می‌کرد که در نهایت هشت، ۹ نفر از بروبچه‌های زندان را مانند بازیگر تئاتر تربیت کرد که آنها هم‌زمان با برپایی جشنواره تئاتر فجر در سال گذشته در گالری محسن مقابل خانواده و مردم تئاتر اجرا می‌کردند. به نظرم این سریال پرضربان و دارای نبضی است که آسیب‌شناسانه به مجرمانی که در سنین پایین دست به کارهایی زدند که در اصل نباید می‌زدند؛ از دزدی و مواد مخدر گرفته تا قتل و زورگیری نگاه می‌کند. به نظرم ساخت چنین سریالی رفتار جسورانه‌ای بود که در این سال‌هایی که اغلب تلویزیون در برخورد با موضوعات اجتماعی محتاط و دست‌به‌عصا حرکت می‌کند واقعا جایش خالی بود و باید گفت خوشبختانه به کمک مسئولان سیما و حسن‌نیت و همکاری سازمان زندان‌ها و قوه قضائیه کاری قابل‌اعتنا ساخته شد.

**کنجکاو شدم بدانم که آیا از چهره‌های مجرمان هم تصویر گرفتید؟**

خب همین موضوعی بود که ۱۰ روز وقت گروه را گرفت و در نهایت به پیشنهاد طراح صحنه، آقای موحد، به این نتیجه رسیدیم که چهره بچه‌ها را با ماسک بپوشانیم. کار سنگین و دوربین روی دست بود و حدودا دو ماه جلسات فیلم‌برداری آن طول کشید.

**حالا با همه اینها، سریال کی پخش می‌شود؟**

ما به‌عنوان گروه فیلم‌برداری عمیقا مشتاق هستیم که این سریال پخش شود. حالا چگونگی و نحوه پخش آن به تصمیم‌گیری مسئولان تلویزیون بستگی دارد. به نظرم این سریال باید با دید کارشناسی همراه شود و اینکه اساسا این بچه‌ها معلول چه شرایطی بودند که مرتکب خلاف شدند، چون آنها که از کره دیگری به زمین نیامده‌اند و فرزندان همین سرزمین هستند؛ مثلا جالب است بدانید که اغلب این بچه‌ها متعلق به اقوام دوردست و مختلف هستند که حاشیه‌نشین بودند! اینکه چرا از جغرافیا و سرزمین مادری خود دل کنده‌اند و روانه کلان‌شهری مثل تهران شده‌اند باید مورد بررسی قرار بگیرد، چون ظاهرا انطباق فرهنگی صورت نگرفته و نتوانسته‌اند آرزوها و آمال خود را با شرایط واقعی وفق دهند. امیدوارم این سریال با هوشمندی و برنامه‌ریزی درست به‌زودی پخش شود.

**در مراسم اشاره کردید که خاستگاه اصلی‌تان سینمای مستند است و به‌ناچار در فیلم‌های داستانی همکاری کرده‌اید. چرا؟**

شاید این به بحث مفصلی نیاز دارد. در دهه ۶۰ خورشیدی تلویزیون دو تا شبکه بیشتر نداشت و این دو شبکه همه انواع و اقسام فیلم‌ها را درهم‌وبرهم پخش می‌کرد، اما خوشبختانه در دهه ۷۰ تفکرات هوشمندی یافت شد که تعداد شبکه‌ها توسعه باید و تخصصی شوند که در این مسیر «شبکه تلویزیونی مستند» هم راه‌اندازی شد. همین باعث شد فرصت بیشتری برای نمایش فیلم‌های مستند که خاستگاه آن تلویزیون هستند به وجود بیاید، ولی حضور من در سینمای مستند به کمی قبل‌تر مربوط می‌شود.

**می‌دانم که شما اساسا بازنشسته تلویزیون هستید، اما در آن سال‌هایی که چندان فیلم مستند مورد توجه واقع نمی‌شد، چطور در این مسیر قرار گرفتید. به‌طوری‌که یکی از فعال‌ترین و موفق‌ترین فیلم‌برداران سینمای مستند شده‌اید؟**

همان‌طور که اشاره کردید من فیلم‌بردار تلویزیون بودم. آن زمان به‌دلیل حرفه‌ام مثلا یک روز باید برای فیلم‌برداری به کارخانه شیر پاستوریزه می‌رفتم و یک روز مثلا به فلان مهدکودک. اما آنچه باعث شد به ذهنم نظم بدهم و اصلا مسیر حرفه‌ای‌ام تغییر کند، برخوردم با کتاب عکاسی آمریکایی ادوارد اس کورتیس بود که به پرتره سرخ‌پوستان تعلق داشت. من این کتاب را در یکی از سفرهایم به قیمت ۴۰ تومان خریداری کردم. یکی از اهداف کورتیس به‌تصویرکشیدن فرهنگ و تمدن‌های روبه‌زوال بود. با دیدن این عکس‌ها جهان برایم رنگ دیگری گرفت. از سویی تلویزیون به من امکان سفر داد تا بتوانم ایران را ببینم. من سال ۱۳۵۰ حدود یک سال با آقای فرهاد ورهرام، پژوهشگر و مستندساز پیش‌کسوت، در «مدرسه عالی تلویزیون و سینما» هم‌دانشکده‌ای بودم. البته ایشان تغییر رشته داد و در «دانشکده هنرهای دراماتیک تهران» رشته کارگردانی سینما خواند. بعدها هم دستیار دکتر افشار نادری شد، ولی من همچنان رشته فیلم‌برداری را ادامه دادم. در آن زمان از ۲۵ سال خدمت در تلویزیون باید ۱۳ ماه را خارج از تهران سپری می‌کردم، همان زمان بحث توسعه مراکز استان پیش آمده بود و تلویزیون کرمانشاه به فیلم‌بردار احتیاج داشت. گفتم من می‌روم چون خودم اهل همدان بودم و به تهران هم علاقه خاصی نداشتم. همین باعث شد که کوه زاگرس انبوهی از اقوام، موسیقی، کوهستان‌ها، فضاهای بکر و خالص که موزه‌های پراکنده طبیعی بودند من را شیدای خود کند و به جای ۱۳ ماه، ۱۰ سال در آنجا عکاسی، فیلم‌برداری و کلا زندگی کنم. بعد از ۱۰ سال همسرم گفت دیگر به تهران برگردیم. در تهران هم در یک سفر داوطلبانه در سال ۶۳ به مدت ۱۵ روز به جبهه آبادان رفتم. در مسیر کلی گلوله و انفجار بود، اما به شکل عجیبی در خود آبادان در آن ۱۵ روز حتی یک گلوله هم شلیک نشد! گفتیم در این ۱۵ روز چه کنیم! رفتیم از خرمشهر تازه‌آزادشده فیلم گرفتیم. هنوز سه حلقه خالی فیلم داشتیم. در مسیر برگشت از آبادان سرک کشیدیم به تالاب شادگان واقعا زیبا بود؛ یک ونیز روستایی. از آن طبیعت فیلم گرفتیم. به تهران که رسیدیم به مدیر گروه شبکه و حمید تمجیدی گفتم راش‌ها را ببینید، مدیر گروه استقبال کرد و گفت اصلا بودجه‌ای تصویب می‌کنم تا از آن مناطق فیلم بسازید. من هم پیشنهاد دادم بهتر است قبل از آن آقایان تمجیدی، ورهرام و دستیارشان برای پژوهش به آنجا سفر کنند. در نهایت فیلمی ساخته شد به نام «هور دورق» (اسم قدیمی تالاب شادگان) که از جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۶۳ جایزه دریافت کرد، بعد از آن هم تیم تشکیل دادیم. همین‌طور مسیر ادامه پیدا کرد، مثلا به یاد دارم شاید در سال ۱۳۷۵ بود که گروه مشترک ایران و هلند از من برای فیلم‌برداری دعوت کرد. از آنها پرسیدم که علت انتخاب من چیست، آنها گفتند در برنامه مرور سینمای مستند ایران از میان ۳۰ فیلم برجسته، در ۱۳ فیلم نام شما به‌عنوان فیلم‌بردار نوشته شده است. آخرین کارم قبل از بازنشستگی در تلویزیون همکاری در پروژه کودکان سرزمین ایران به مدیریت مرحوم سرهنگی بود که در ۲۶ فیلم فیلم‌بردار بودم و نکته مهم این است که در این پروژه از بزرگان سینما مانند آقایان تقوایی، اصلانی، ورهرام و... خیلی چیزها آموختم که به نظرم در هیچ کلاس درسی یافت نمی‌شود. بعد هم که بازنشسته شدم. بلافاصله بعد از آن آقای اصلانی برای ساخت سریال خراسان از من دعوت به کار کرد و تازه کارم شروع شده بود که به جرئت می‌توانم بگویم تا امروز حدود ۶۵۰هزار کیلومتر سفر کرده‌ام و ۵۰، ۶۰ فیلم مستند کار کرده‌ام که از همه آنها راضی هستم.

**با سیطره دنیای دیجیتال در عرصه فیلم‌برداری چه می‌کنید؟**

به هر حالت این موضوع اجتناب‌ناپذیر است. هرچند وسایل تصویربرداری سبک‌تر شده‌اند، اما نسل جدید فیلم‌سازان مستند عجله بیشتری برای کار دارند و فکر می‌کنند باید یک‌شبه مشکلات را حل کنند. از سویی به‌دلیل رخنه تکنولوژی در همه‌جا، موضوعات بکر و دست‌نخورده کمتر دیده می‌شود؛ البته من معترض این جریان نیستم، فقط واقعیت دنیای امروز را تحلیل می‌کنم، از طرفی هم با بالاتررفتن سنم کمتر کار می‌کنم و فقط دوست دارم مدیریت عرصه سینمای مستند منسجم شود؛ متأسفانه ما آرشیو پروپیمان و باکیفیت از سینمای مستند نداریم؛ جالب است بدانید که حتی مستندهای خلاقه هم به‌غیر از مستندهای روایت فتح شهید آوینی، از جنگ هم مستند نداریم، بیشتر مستندها گزارشی است و به نظرم در این زمینه باید بیشتر کار کرد. به‌صورت خلاقه در سینمای مستند کارهای زیادی می‌توان انجام داد.

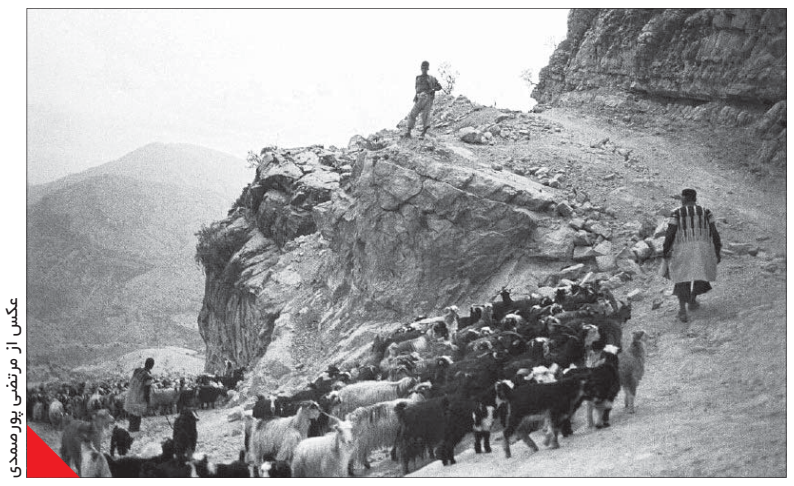

عکس از مرتضی پورصمدی

# فرجی: شرایط اکران برای تمامی فیلم‌ها برابر است

**بهناز شیربانی:** تعدد اکران فیلم‌هایی که از ابتدای سال مخاطب بسیاری را راهی سالن‌های سینما کرده است از یک‌سو سینماداران و صاحبان آثار را به رونق سینمای ایران در سال جدید خوش‌بین کرده و از سوی دیگر برخی از کارشناسان همپوشانی فیلم‌هایی را که در چرخه اکران قرار می‌گیرند پاشنه‌آشیل حوزه نمایش فیلم می‌دانند. غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش، روز گذشته جزئیات تازه‌ترین جلسه شورای صنفی نمایش را اعلام کرد و گفت: «خاله‌قورباغه» افشین هاشمی در سینما آزادی ثبت شده است و برای اکران بعدی این سرگروه هم فیلم مسعود جعفری‌جوزانی با نام «پشت دیوار سکوت» به ثبت رسید. همچنین فیلم «دشمن زن» حسین فرح‌بخش نیز پس از فیلم «تگزاس» در گروه ماندانا اکران می‌شود. فرجی اعلام کرد، با توجه به بالابودن فروش فیلم‌ها، تغییری در فیلم‌های روی‌پرده ایجاد نمی‌شود و رأی‌گیری هم برای انتخاب رئیس و دیگر اعضای شورای صنفی نمایش انجام خواهد شد.

واکنش برخی سینماگران به کمبود سالن‌های نمایش‌دهنده فیلم‌هایشان در آغاز اکران، در چند روز گذشته حواشی بسیاری را به وجود آورد. کیایی در صفحه شخصی‌اش از تبعیض اکران فیلم‌های دولتی و بخش خصوصی نوشت. از طرف دیگر «عصبانی نیستم» که پس از سال‌ها رفع‌توقیف شده و به اکران عمومی رسیده است با وجود تحریم حوزه هنری تنها در سالن‌های محدودی به نمایشش ادامه می‌دهد. غلامرضا فرجی در واکنش به اعتراض برخی سینماگران نسبت به نمایش فیلم‌های نوروزی در سینماها با وجود تغییر در سرگروه‌ها گفت: «طبق آیین‌نامه، تخلفی دراین‌باره رخ نداده، چون هر فیلم طبق نظر سینمادار تا ۱۰ هفته می‌تواند روی پرده سینماها باشد».

از سوی دیگر محمدرضا فرجی، مدیرکل سینمای حرفه‌ای سازمان امور سینمایی، درباره شرایط اکران این روزهای سینمای ایران و رقابت آثار سینمایی و تعداد سالن‌هایی که به فیلم‌های مختلف اختصاص داده شده است به «شرق» گفت: «هیچ اتفاق جدیدی که موجب اختلاف در نحوه اکران فیلم‌ها شود وجود ندارد. همه فیلم‌ها در شرایطی هستند که فروش خوبی دارند و فیلم‌هایی که از ابتدای سال فروش خوبی در گیشه داشته‌اند و مخاطب همچنان از این آثار استقبال می‌کند، بهتر است به اکرانشان تا زمان قانونی ادامه بدهند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «فیلم‌هایی که به‌تازگی به ناوگان اکران اضافه شده‌اند هم شرایط دیگری دارند. خوشبختانه تعداد سالن‌ها نسبت به سال گذشته بیشتر شده است. سال گذشته شش گروه سینمایی داشتیم و امسال یک گروه به آن اضافه شده است و همان‌طور که در آیین‌نامه اکران آمده است، شورای صنفی بنا بر نیاز می‌تواند اکران آزاد داشته باشد. ضوابط و مقررات آیین‌نامه مورد تأیید همه صنوف و نمایندگانشان است و شرایط برای تمامی فیلم‌ها یکسان خواهد بود». فرجی در بخش دیگری از صحبت‌هایش در پاسخ به این پرسش که با نزدیک‌شدن به ایام ماه مبارک رمضان و جام جهانی، فیلم‌هایی که به‌تازگی به اکران رسیده‌اند چه شرایطی خواهند داشت؟ گفت: «درخصوص ماه مبارک رمضان هفته آینده تصمیم‌گیری خواهد شد. طبعا یکی، دو فیلمی که به‌لحاظ فروش به نسبت باقی فیلم‌ها ضعیف‌تر هستند کنار می‌روند و فیلم‌هایی که به‌تازگی اکران شده‌اند شرایط بهتری پیدا می‌کنند و فیلم‌هایی که فروش خوبی دارند اگر از سرگروه هم کنار بروند همچنان در زیرگروه‌ها به نمایششان ادامه می‌دهند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «درخصوص پخش بازی‌های فوتبال در سینماها، باید بگویم که قطعا نمایش فوتبال در سینماها اولویت ما نیست و قطعا باید کارگروه اکران در این مورد تصمیم‌گیری کند و مجوز آن باید از فدراسیون فوتبال گرفته شود و در صورت تصویب شورای صنفی نمایش، پخش فوتبال برای سینماهایی اتفاق خواهد افتاد که بیش از هفت، هشت سالن داشته باشند تا آسیبی به نحوه اکران فیلم‌ها وارد نشود».

یادداشت

## حذف مدرسان و بازگشت تاریخی به تئاتر دانشجویی

بهزاد خاکی‌نژاد

● بخش مدرسانِ جشنواره تئاتر دانشگاهیان حذف شد تا برای دومین‌بار پس از ۲۰ سال، هویت تنها جشنواره فرامرزی تئاتر دانشگاهی ایران را در هاله‌ای از ابهام فرو ببرد. مگر نه اینکه تئاتر دانشگاهی ترکیبی است از تئاتر دانشجویی و تئاتر مدرسان دانشگاه؟ مگر نه اینکه ریشه‌اش با همین نگاه و برای تعامل میان استادان و دانشجویان شکل گرفته است؟ تئاتر دانشگاهی با این تعریف از حدود یک دهه پیش وارد دور تازه‌ای از آموزش و پژوهش و تعامل دانشگاهیان شد و امسال در بیست‌ویکمین دوره با خلاقیت تازه‌تری، بخش مدرسان را حذف کردند تا چونان دو دهه گذشته جشنواره فقط با دانشجویان هویت داشته باشد و البته با خلاقیتی دیگر چند اثر غیردانشجویی را در بخش بی‌هویتی با عنوان «بخش میهمان»، میهمان تئاتر دانشجویی کرده‌اند! دگرگونی ناگهانی جشنواره امسال را می‌توان با معیارسنجی دوران گذشته تا امروز و خلاقیت‌های مدیریتی به تماشا نشست: جشنواره تئاتر دانشجویان کشور از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۸۱، پانزده دوره برگزار شد. از سال ۱۳۷۶ بخش دیگری با عنوان تئاتر دانشگاهی به جشنواره تئاتر فجر افزوده شد اما با همان نگاه دانشجویی. این رویداد در سال ۱۳۸۲ تنها جشنواره تئاتر دانشگاهی بود، زیرا تئاتر دانشجویان کشوری تا ۱۳۸۱ ادامه داشت. از سال ۱۳۸۴ در دوره هشتم عنوان فجر کنار رفت و این مهم به‌طور مستقل با عنوان جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی پاگرفت. از دوره دهم در ۱۳۸۶ با ایجاد بخش مدرسان، توانست برای نخستین‌بار هویت تئاتر دانشگاهی بیابد و چونان گذشته فقط با بخش دانشجویان پا نگیرد و به اشتباه عنوان دانشگاهیان را یدک نکشد.

در سال ۸۶ با افزودن بخش مدرسان به جشنواره تئاتر دانشگاهی، این رویداد مهم با حضور مدرسان کارآزموده تئاتری و همکاری ایشان با دانشجویان توانست رنگی حرفه‌ای بگیرد. این روند حرفه‌ای تا حدود یک دهه ادامه داشت و هر سال شمار دانشجویان متقاضی بیشتر و شمار مدرسان کارآزموده متقاضی کمتر شد. در سال گذشته تا چند روز مانده به جشنواره هم آثار مدرسان اعلام نشد و می‌خواستند این بخش را حذف کنند اما به‌یک‌باره چند اثر در فهرست قرار گرفت. به‌گفته دبیر امسال جشنواره «بیشتر آثار بخش مدرسان سال گذشته کیفیت مناسبی نداشت اما سرانجام تصمیم گرفتند چند اثر در جدول گنجانده شود». حال اینکه آثار سال گذشته با چه معیار و چه ارتباطی در جشنواره ۱۳۹۶ جای گرفت، مهم نیست اما مهم است که این شیوه، دروازه باغ سبزی در اختیار جشنواره تئاتر دانشگاهی بیستم گذاشت که نتیجه‌اش حذف کامل بخش مدرسان در اردیبهشت ۱۳۹۷ به دبیری «حسین عبداللهی» است که بی‌شک این خلاقیت هم به نام ایشان در کتاب تاریخ‌نگاری جشنواره ثبت خواهد شد؛ همان‌گونه که نخستین‌بار در سال ۱۳۹۴ بخش مدرسان جشنواره هجدهم به دبیری «امیرمهدی مرسلی» برای نخستین‌بار حذف شد و این نارسایی در خاطر دانشگاهیان ماندگار است. براساس فراخوان امسال، آثار مدرسان باید تا ۲۵ فروردین به جشنواره می‌رسید. همین مدیریت ناقص در تاریخ دریافت آثار هنوز در سالیان گذشته نتوانسته تغییر کند چراکه تحویل اثر تا نیمه سوم فروردین با علم بر تعطیلی دانشگاه‌ها و عدم امکان تمرین در دانشگاه و پلاتوها، نشانی از ناآگاهی مدیران جشنواره بر جزئیات کار حرفه‌ای دارد. بگذریم از اینکه نه دانشگاه‌ها و نه دبیرخانه جشنواره کوچک‌ترین حمایتی حتی در اندازه مکان تمرین در اختیار گروه‌ها نمی‌گذارند و بعد شعارشان تعامل استادان و دانشجویان در تئاتر دانشگاهی است. این تعامل کجا و چگونه باید شکل بگیرد؟ این آثار با کدام بودجه و امکانات و فضای کاری باید در یک روند آموزشی-پژوهشی-اجرائی که اساس جشنواره است، شکل بگیرند؟ مدام می‌گویند آثار مدرسان در دهه‌های گذشته بسیار حرفه‌ای‌تر بود. درست می‌گویند، اما نمی‌گویند که آن آثار با حمایت مرکز هنرهای نمایشی؛ از مکان تمرین شبانه‌روزی تا حمایت مالی با هدف اجرای عمومی در تماشاخانه‌های دولتی شکل می‌گرفت و با هدف‌ها و امکانات کوچک امروز فرسنگ‌ها فاصله دارد. همه می‌دانند که شمار مدرسان امروز که با دانشجویان کار می‌کنند و برای آنها وقت و انرژی و هزینه می‌گذارند، به زحمت به شمار انگشتان دو دست می‌رسد (که آمار سال‌های گذشته همین جشنواره گویاست). آیا نمی‌توان فرایند این چند گروه را که با تعامل دانشجو-مدرس به صورت آموزشی- اجرائی پا می‌گیرد، از ابتدای تمرین، مدیریت و حمایت کرد که به شعار تعاملی جشنواره دست یافت؟ اگر به فراخوان بازگردیم، تا ۳۰ فروردین باید نتیجه این بخش مشخص می‌شد، اما وعده اعلام نتیجه روزبه‌روز در اردیبهشت پاس‌کاری شد که نشان از تمایل دبیرخانه برای برگزاری آن بود و در نهایت بدون اعلان قبلی و حتی بدون نام‌بردن از هیئت بازبینی (مانند بخش‌های دیگر) گروه‌ها را در سرگردانی قرار دادند و به‌یک‌باره جدول جشنواره را در ۱۱ اردیبهشت رونمایی کردند. شگفتانه جدول امسال، حذف بخش مدرسان بود و افزودن بخش خلاقه‌ای با عنوان «میهمان» که برایند ترکیبی از آثار مدرسان و دانشجویان با کارهای ازپیش‌آماده است.

ادامه در صفحه ۱۴

شرکت آب منطقه‌ای البرز

**مناقصه شماره :۸ –۹۷**

**تمدید مهلت دریافت اسناد مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی**

**مناقصه گزار:** شرکت سهامی آب منطقه ای البرز

پیرو مناقصه شماره ۸-۹۷ با موضوع " عملیات اجرایی تکمیل سد انحرافی ،کانال انتقال واحداث حوضچه های تغذیه مصنوعی دشت هشتگرد" که از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت در حال برگزاری می باشد به اطلاع می رساند برنامه زمانبندی پروژ به شرح ذیل اصلاح میگردد :

**مهلت دریافت اسناد:** تا ساعت ۱۹مورخ ۹۷/۲/۲۱

**مهلت ارسال پاسخ:** تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۷/۳/۴

**زمان بازگشایی پاکات:** ساعت ۱۰صبح مورخ ۹۷/۳/۵

**اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار:** کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۸۶۷۱۷۵۹۸-تلفن۳۲۰-۳۱۰- ۰۲۶۳۳۳۴۲۳۰۰

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱، ۰۲۱ دفتر ثبت نام:۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ -۰۲۱

**شرکت سهامی آب منطقه ای البرز**